



ضرورت سازماندهی و مدیریت مؤثر مصرف انرژی در کشور

انرژی یکی از کلیدی‌ترین عوامل تولید و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی است. به همین دلیل طی دهه‌های گذشته تأمین امنیت عرضه انرژی از جمله مسائل استراتژیک کشورهای مختلف بوده است. بررسی سیاست‌های امنیت انرژی کشورهای مختلف جهان بیانگر آنست که این مهم همواره از دو دیدگاه مدیریت عرضه و مدیریت تقاضا مورد توجه قرار گرفته است. اما در کشور ما به دلیل گستردگی منابع نفت و گاز، اغلب توجهات معطوف به مدیریت عرضه بوده است. این در حالی است که در جهان امروز، مزیت‌هایی مثل برخورداری از منابع گسترده نفت و گاز جای خود را به مصرف بهینه و کارایی انرژی با استفاده از فن‌آوری‌های نوین داده است. همچنین رابطه تنگاتنگ انرژی و محیط زیست و تأثیرات مخرب مصرف بی‌رویه انرژی سبب توجه بیشتر به مدیریت مصرف انرژی طی سال‌های اخیر شده است.

سالیان متمادی است کشورهای صنعتی و در حال توسعه برای مواجهه با بحران انرژی، سیاست‌ها و مکانیزم‌هایی را در زمینه صیانت منابع و صرفه‌جویی در مصرف انرژی اعمال کرده‌اند. همچنین اقدامات اجرایی در سطوح ملی و منطقه‌ای و همچنین در سطوح بین‌المللی در دستور کار این کشورها قرار گرفته که می‌توان با بومی‌سازی این اقدامات در داخل کشور نیز از آنها بهره‌برد. به‌طور کلی در این کشورها، سیاست‌ها و مکانیزم‌های اصولی جهت مصرف بخش‌های مختلف از جمله حمل و نقل، صنایع، ساختمان، لوازم خانگی و شیوه‌های تولید انرژی به‌شکلی همه‌جانبه و جامع اجرا شده که بهبود این سیاست‌ها سبب دست‌یابی به روش‌های مؤثرتری جهت صرفه‌جویی در مصرف انرژی و کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی گردیده است.

لازم به ذکر است که نقطه عطف برنامه‌های انرژی کشورهای صنعتی، تحریم نفتی کشورهای غربی از طرف اعراب پس از بروز جنگ با رژیم

اشغال‌گر قدس در سال ۱۹۷۳ میلادی بود. این تحریم باعث افزایش شدید قیمت محصولات نفتی و نیز حساسیت سیاست‌مداران کشورهای غربی در خصوص لزوم منطقی کردن مصرف انرژی در چارچوب راهبردهای مدون در کلیه بخش‌ها شده و تلاش‌های جدی جهت تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌های مصرف بهینه انرژی در این کشورها آغاز گردید. به نظر می‌رسد شرایط موجود کشور نیز توانسته زمینه‌ساز ایجاد عزمی راسخ با هدف بهره‌برداری از این فرصت راهبردی و مهم باشد.

در همین زمینه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری و ارزیابی نحوه مصرف انرژی در سطح کشورها، شاخص شدت انرژی است. این شاخص نشان‌دهنده مصرف انرژی برای تولید مقدار معینی از کالاها و خدمات در یک کشور بوده و از تقسیم میزان کل مصرف انرژی بر مقدار کل تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید. شاخص شدت انرژی که معمولاً در سطح کلان استفاده می‌شود درجه بهینگی استفاده از انرژی در یک کشور را نشان می‌دهد و عکس میزان بهره‌وری انرژی است.

مقایسه شدت مصرف انرژی در ایران با کشورهای توسعه‌یافته و همچنین کشورهای منطقه، نشان‌دهنده مصرف ناکارای انرژی در کشور است. آخرین بررسی‌های انجام شده حاکی از آنست که متوسط شدت انرژی اولیه جهان در حدود ۰/۱۸ تن معادل نفت خام به‌ازای هر هزار دلار تولید ناخالص داخلی است. این در حالی است که شدت انرژی در ایران دو و نیم برابر متوسط جهانی یعنی حدود ۰/۴۷ می‌باشد که این میزان در مقایسه با کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی (۰/۳۸) و ترکیه (۰/۱۵) نیز بیشتر است.

هم‌اکنون مشاهده می‌شود که حجم زیادی از سرمایه‌گذاری‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی کشور به‌شکل همه‌جانبه بسیج شده‌اند تا به بیشترین میزان ممکن انرژی عرضه کنند. این در حالی است که قسمت کوچکی از این فعالیت‌ها در بخش

مدیریت مصرف و تقاضای انرژی به کار گرفته می‌شود. در واقع مصرف زیاد و ناکارآمد گاز و فرآورده‌های نفتی در کشور موجب شده علاوه بر اتلاف میلیاردها دلار در سال در این بخش، توان کشور برای حضور در بازارهای جهانی نفت و گاز نیز کاهش یابد. بنابراین ضروری است در کنار تلاش‌های انجام شده جهت تولید و عرضه نفت، برای مدیریت اصولی و مدون تقاضا نیز برنامه‌ریزی شود. هدفمندسازی یارانه‌ها و سهمیه‌بندی سوخت از جمله اقدامات مؤثری بود که در سال‌های اخیر در همین راستا انجام شد. اما باید توجه داشت که مدیریت تقاضا امری پویاست و نمی‌توان با وضع قوانینی مشخص و غیرقابل تغییر در مقطع زمانی خاصی، مدیریت تقاضای مناسبی به مرحله اجرا گذاشت.

بنابراین ضمن این‌که ضروری است پس از بررسی دقیق فاز اول طرح هدفمندی یارانه‌ها و تحلیل تأثیر آن بر میزان مصرف انرژی، فاز دوم این طرح نیز برنامه‌ریزی و اجرا گردد، راهبردهای کلیدی زیر نیز پیشنهاد می‌شوند:

- تدوین و به‌کارگیری استانداردهای مصرف انرژی در بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی
- نوسازی و جایگزینی تجهیزات و تأسیسات قدیمی و فرسوده بخش‌های مختلف
- تدوین طرح جامع انرژی و مشخص کردن سهم هر یک از حامل‌های انرژی
- آموزش و اطلاع‌رسانی عمومی در سطح کشور
- اصلاح سیستم قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در کشور
- متمرکزسازی مدیریت بخش انرژی در کشور
- بنابراین در صورتی که راهبردهای کلان بخش انرژی منجر به اقدامات و فعالیت‌های اجرایی شده و موانع موجود در این راه مرتفع شود می‌توان امیدوار بود که اصلاح الگوی مصرف، بهینه‌سازی و مدیریت مصرف انرژی در کشور به‌شکلی جدی انجام گردد. ■

سردبیر